

## لغو پیمان مشرکان

۳- واذان من الله ورسوله الى الناس يوم الحج الاكبر ان الله بريء من المشركين ورسوله فان تبتم فهو خيرا لكم وان توليتم فاعلموا انكم غير معجزي الله و بشر الذين كفروا بهذاب اليم .

این اعلام ( و قطعنامه ایست ) از خدا و پیغمبر او ب مردم در روز «حج اکبر» که خدا و پیغمبرش از مشرکان بیزارند ، پس اگر ( ای مشرکان ) توبه کنید برای شما بهتر است و اگر ( از توبه ) روی بگردانید بدانید که شما خدا را عاجز نمیکنید ، کافران را بعد از بددناک بشارت بده .

۴- الا الذين عاهدتم من المشركين ثم لم ينقضوكم شيئا ولم يظاهروا عليكم احدا فاتموا اليهم عهدهم الى مدتهم ان الله يحب المتقين . مگر افرادی از مشرکین که با آنها قرار داد بسته اید ( و در وفاء بمقررات پیمان ) کوتاهی نکرده اند و از کسی علیه شما پشتیبانی ننموده اند ( در این صورت ) پیمان خود را با آنان تا پایان مدت ( حفظ ) و تمام کنید زیرا خدا پرهیزکاران را دوست میدارد .

### حج اکبر چه روزیست ؟

بیشتر مفسران معتقدند که «حج اکبر» همان روز عید قربان است ، زیرا بیشتر اعمال حج در همان روز انجام میگردد ، علاوه بر این آنسال خصومت دیگری داشت ، زیرا احدی قربان

در آنسال (سال نهم هجرت) مصادف با عید یهود و نصاری بود گذشته از این، اجتماع بزرگی که آنسال در مکه بوجود آمده بود، و مسلم و مشرک در کنار هم حج مینمودند، بار دیگر تکرار نشد، چون مشرکان از شرکت در حج ممنوع شدند، مجموع این جهات بآن روز رونق خاصی بخشیده بود و از این روح حج اکبر بآن گفته شد.

چون نظریه پیغمبر اسلام این بود که مفاد اعلامیه خود را بگوش تمام مشرکان برساند، و مضمون آن در تقاطعی که مرکز مشرکان شبه جزیره بود منتشر شود و عذری پس از انقضای مدت تعیین شده برای کس نماند از این لحاظ قطعنامه خود را در یک مرکز عمومی در میان اجتماع انبوهی صادر نمود حتی مطابق بسیاری از روایات، پس از آنکه علی (ع) از خواندن این آیات فراغت یافت، بهمین اکتفاء نکرد، پس از آن در منزلها برای مردم نیز میخواند.

### دولت جوان اسلام پایه گذاری میشود.

شان نزول آیات، و مفاد آنها، و کیفیت رساندن مفاد این اعلامیه ب مشرکان ما را بیک نکته هدایت میکند، و آن اینکه رسول اکرم (ص) بوسیله این قطعنامه اساس معنوی دولت جوان خود را پایه گذاری میکند، و رسمیت دین و حکومت را در تمام خاک شبه جزیره بسمع ساکنان آن میرساند، و بانندای رسا و عالم گیر (چنانچه کلمه «اذان» حکایت میکند) غیر قانونی بودن هر گروهی که پیرو توحید و اساس حکومت او نباشند، اعلام میدارد، گواه این سخن اینست که سوره توبه پس از سفر تبوک که آخرین سفر جنگی پیغمبر بود نازل شد؛ و در آن هنگام ساکنان «طائف» و «تهامه» و «نجد» از در اطاعت و اسلام وارد شده بودند و تقریباً تمام خاک شبه جزیره در قلمرو اسلام قرار گرفته بود، در این موقع بسیار مناسب بود اساس حکومت توحید استوار سازد و تمام پیروان خود را برای تحکیم اساس حکومت نوزاد خود دعوت کند و همه آنان را تحت یک پرچم وارد سازد و باینوسیله ثابت کند که در قلمرو حکومت مسلمانان جز یک عقیده و یک حکومت که آنهم بر اساس توحید است هیچ عقیده و حکومتی رسمیت ندارد.

جمله: **و بشر الذین کفروا ابعذاب الیم** یعنی بشارت بده کافران را بعد از این دردناک. منظور از آن استهزاء مشرکان است زیرا کلمه «بشارت» در مواردی بکار می رود که استماع آن خبر موجب انبساط خاطر گردد، بنا بر این خبر از گرفتاری و عذاب دردناک مسلماً بشارت نیست مگر اینکه در مقام تمسخر و استهزاء گفته شود.

مفاد آیه چهارم روشن است فقط این نکته لازم بتذکر است که جمله **و لم یظاھر و اعلیکم احداً** دو احتمال دارد:

اول: یعنی دیگران را بر ضد شما پشتیبان خود نگیرند

دوم: کسی را علیه شما (مسلمانان) کمک نکنند، و گواه احتمال دوم همانست که در

شماره پنجم نگارش یافت که قریش قبل از نزول این آیات طایفه «بنی بکر» را یاری کردند که علیه «خزاعه» که هم پیمان مسلمانان بودند بجنگند، بر اثر این تجاوزات، پیغمبر اکرم پیمان آنان را نادیده گرفت و مقدمات فتح مکه را پی ریزی نمود، زیرا مشاهده فرمود که قریش دشمنان اسلام را کمک میکنند.

جای شک و تردید نیست که هنگامیکه دو دشمن نیرومند با هم رو برو میشوند، و هر کدام باندازه کافی با وسائل جنگی مجهز میباشند، غالباً پیمان عدم تعرض از طرفین میتواند از بروز خطر جنگ جلوگیری بعمل آورد، در اینصورت پیمان مزبور عهده داریک نقش حیاتی در آن اجتماع است، و نقض یک چنین پیمان بحکم خرد جرم غیر قابل بخشش است، زیرا علاوه بر اینکه ارزش انسان را بواسطه بی اعتنائی بتعهدات خود از بین میبرد موجب بروز جنگ، و ریختن خونها میشود.

### وفاء پیمان در انظار اسلام

از نظر شارع اسلام عمل به پیمان یک وظیفه لازم شمرده شده و متخلف از آنرا در عداد زیانکاران در آورده است (بقره - ۲۵) و کسانی را مؤمن واقعی معرفی نموده که همواره در حفظ پیمانهای خود کوشا باشند (مؤمنون)

رسول اکرم (ص) طبق نقل قطب راوندی فرموده: **لا دین لمن لا عهد له** هر کس پیمان خود را محترم نشمرد از دائره دیانت بیرون است.

امیر مؤمنان (ع) پس از آنکه بر اثر فشار خوارج با معاویه پیمان بست و طرفین تمهید کردند تا یکسال دست از محاربه بردارند، با مشکلات عجیبی رو برو شد، از آنجمله فشار و اضرار خوارج، همان مردمی که علی را وادار کردند که از در صلح و امضاء قرارداد متار که جنگ وارد شود، همانا علی (ع) را تحت فشار گذارده و جد آدرخواست کردند که علی پیمان خود را بشکند و مرتبه جنگ آغاز گردد اما حضرت چه گفت؟ فرمود: **و یحکم أ بعد الرضا و العهد** **نرجع اولیس الله یقول او فوا بالعقود و قال او فوا بعهد الله اذ عاهدتم و لا تنقضوا الایمان بعد تو کیدها و قد جعلتم الله علیکم کفایان الله یامم ما تمعلون:** «وای بر شما آیا پس از رضایت و پیمان بر گردیم؟ مگر خداوند نمیگوید بهمدهای خود وفا کنید و میفرماید بهمدها وفا کنید هنگامیکه عهد بستید و قسمها را پس از محکم کردن نشکنید باینکه خدا را کفیل (و گواه) خود قرار داده اید؛ خداوند میداند شما چه میکنید.»

امیر مؤمنان (ع) در دامن پیغمبر اکرم تربیت یافته است از روش اسلام در باره عهد و پیمان بخوبی آگاه است از این لحاظ با کمال مردانگی روی پیمانی که بسته بود، ایستاد و حاضر نشد نقض عهد کند حتی خوارج از همین جهت با علی طریق خصمانه پیش گرفته و بالاخره حضرتش را شهید کردند.

این آیه (آیه چهارم) بخوبی علت نقض پیمان را می‌رساند و عقیده ای را که بعضی از مستشرقین در این باره ابراز نموده اند ابطال میکند ، آنان خیال کرده اند که علت اینکه اسلام پیمان خود را نادیده گرفت ، همان قدرت فوق العاده مسلمانان بود که در ظرف بیست و دو سال بدست آورده بودند و کاملاً بر اوضاع مسلط و تمام قدرتهای خارج از شعاع اسلامی را تحت الشعاع قرار داده بودند .

ولی اگر آنان در مضمون همین آیه تا ممل کافی بعمل می‌آوردند از ابراز این عقیده خودداری مینمودند ، اگر مطلب از همان قرار بود که آنان تصور کرده اند بایست تمام پیمانها را زیر پا بگذارند ، در صورتیکه این آیه صریحاً دستور میدهد که مسلمانان با مشرکانی که نقض پیمان نکرده اند و کسیرا برضد اسلام یاری ننموده اند ، پیمان خود را با آنان تا مدت مقرر حفظ نمایند ، و این خود می‌رساند که یکی از علل این جهاد عمومی و قیام علیه این دسته از مشرکین ، همان پیمان شکنی آنها بود که آتی در تضعیف اساس حکومت اسلامی و تلاشی ساختن سازمان جوان آئین توحید ساکت نبودند و هر گاه خودشان موفق بچنگ و خونریزی و غارتگری نمیشدند ، قبال دیگر را تحریک میکردند که با مسلمانان و قبائلی که با مسلمانان هم قسم شده بودند ، بجنگند ، از این جهت سوره برائت تمام پیمانها را جز پیمان کسانی که تا آنوقت به تمهیدات خود علاقمند بودند و پیمان شکنی و تظاهرات علیه مسلمانان نکرده بودند زیر پا نهاد .

از روی قرائن میتوان حدس زد که مشرکان در آنروز چهار دسته بودند اول کسانی که موفق به بستن پیمان با رسول اکرم نشده بودند ، دوم آنهایی که تمهید آنان بطور مطلق بود سوم : افرادی که پیمان موقت داشتند ولی به پیمان خود وفادار نبودند ، چهارم اشخاصی که پیمان آنان محدود بود ولی کاملاً بشرائط قرارداد عمل مینمودند و آیه چهارم از میان این چهار دسته فقط گروه چهارم را استثناء کرده و پیمانشان را محفوظ شمرده است اما باقی گروه و در صورتیکه در ظرف چهار ماه ایمان نیاورند تهدید بچنگ نموده ، این استثناء می‌رساند که گروه وفادار فقط افرادی بودند که پیمان آنان موقت بود اما کسانی که پیمان آنان محدود نبوده ، گویا تماماً پیمان شکن بودند ، و اگر در میان آنان کسانی وفادار بودند سخنی از آنها بیان می‌آمد ولی مع الوصف در آیه هفتم دستور داده که پیمان مطلق کسانی که در پیمان خود استقامت بخرج دادند محترم شمرده شود ازین جهت میتوان گفت که افراد وفادار پیمان در میان کسانی که پیمانشان محدود نبوده نیز پیدا میشده در اینصورت یکی از دوراه را باید انتخاب کرد یا بگوئیم آنچه در آیه چهارم استثناء شده ، تمام مستثنی نبوده و در حقیقت افراد وفادار به پیمان استثناء شده اند خواه پیمانشان موقت باشد یا نباشد شاهدین معنی آیه هفتم است و یا اینکه بگوئیم مقصود از «عمل کنندگان به پیمان» که در آیه هفتم استثناء شده اند ، خصوص

آن اشخاص هستند که در آیه چهارم از آنان گفتگو بیان آمده است ، و این همان سخنی است که دانشمندان در « اصول فقه » از آن تعبیر به « حمل مطلق بر مقید » میکنند .

ولی طریق دوم روشتر بنظر میرسد زیرا چنانچه سابقاً گفته شد اسلام نمیتواند با مشرک کنار بیاید ؛ و با آنان پیمان عدم تعرض بطور غیر محدود منعقد سازد ؛ تا در صورتیکه آنان عمل به پیمان نمودند ؛ ناچار شود دروش آنان را که برخلاف اساس تمام ادیان آسمانی است برسمیت بشناسد ، و این مطلب تأیید میکند که اساساً رسول اکرم در میان مشرکان هم پیمان مطلق نداشته و تمام پیمانهای او با مشرکان محدود بوده است و در آخر عمر مأمور شد که با افراد وفا دار معامله مثل کند ، و پیمان شکنان را سر کوبی نماید و بخواست خدا در شماره آینده دربارهٔ پیمان شکنی مشرکان و تحریمات غیر قانونی آنان بیشتر صحبت خواهیم کرد .

### صحرای عشق

ملی شدن مطبوعات در جمهوری متحده عرب سبب تغییر مقداری از برنامها و کساده شدن ؛ ارعده ای از سودجویان ؛ گردید . چند ماه قبل یکی از جرائد اعلانی منتشر کرد و یک « مسابقه زیبایی » بین بانوان ترتیب داده بود .

موعد اجرای این مسابقه مصارف با ملی شدن جرائد گردید که به علت کنترل شدید دولت ؛ امکان چاپ عکسهای سلطه زیبایی طبق قانون « منع انتشار صور منافی عفت » وجود نداشت فکرها بکار افتاد و بالاخره مسابقه زیبایی تبدیل با انتخاب « ملکه هوش » گردید ؛

( اطلاعات ۲۱/۴/۳۹ )